



دوشنبه 17 شهریور 1393- 12 ذیقعدة 1435- 8 سپتامبر 2014

در اولین روز سال ۱۳۱۰ش، شهید علی اوسطی همراه شکوفه‌های بهاری، گام‌های کوچک اما استوارش را به این جهان گذارد. خانواده روحانی و اهل علمش او را روز به روز بیش‌تر...

* 17 شهریور در دفاع مقدس

* شهادت شهید علی اوسطی (1357ش)

اشاره:

در اولین روز سال ۱۳۱۰ش، شهید علی اوسطی همراه شکوفه‌های بهاری، گام‌های کوچک اما استوارش را به این جهان گذارد. خانواده روحانی و اهل علمش او را روز به روز بیش‌تر به معارف الهی علاقمند می‌ساخت. هنوز کودک بود که از نعمت استفاده از محضر پدر بزرگوارش محروم گشت و جهت گذراندن زندگی و کسب تجربه به همراه برادرانش، کار در معادن سنگ را آغاز نمود. ۱۹ ساله بود که پای به عرصه تکامل و تشکیل خانواده نهاد و پس از آن، تحصیلاتش را در دروس حوزوی ادامه داد.

در سال ۱۳۴۲ش هم‌زمان با شروع نهضت انقلاب اسلامی، از تهران به شهر خون و قیام قم مهاجرت کرده و رسماً به جمع روحانیون پیوست و مبارزات خود را که با تحریک کارگران علیه برگزاری رفراندوم در تهران آغاز نموده بود، با استفاده از رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) پی گرفت.

شیخ علی اوسطی که بعد از سلاح ایمان و توکل، با تأسی به حضرت داوود پیامبر (ع)، از اسلحه‌ای به نام «فلاخن» یا «سنگ قلاب» برای مقابله با طاغوتیان استفاده می‌کرد،

تمام گاردی‌ها و کماندوهای رژیم را به ستوه آورده، به «شیخ فلاخن‌انداز» معروف شده بود.

او همواره دعا می‌کرد که خداوند از عمرش بکاهد و به عمر عزیز رهبر نهضت بیفزاید و عشق به شهادت چنان در قلبش می‌درخشید که سینه‌اش را شقایق‌زار توحید ساخته بود؛ عاقبت نیز پاداش عمری تلاش در راه حق را از دست ساغر عشق ستاند

و

شر شهادت شهید علی اوسطی (1357ش).

در اولین روز سال ۱۳۱۰ش، شهید علی اوسطی همراه شکوفه‌های بهاری، گام‌های کوچک اما استوارش را به این جهان گذارد. خانواده روحانی و اهل علمش او را روز به روز بیش‌تر به معارف الهی علاقمند می‌ساخت. هنوز کودک بود که از نعمت استفاده از محضر پدر بزرگوارش محروم گشت و جهت گذراندن زندگی و کسب تجربه به همراه برادرانش، کار در معادن سنگ را آغاز نمود.

۱۹ ساله بود که پای به عرصه تکامل و تشکیل خانواده نهاد و پس از آن، تحصیلاتش را در دروس حوزوی ادامه داد. در سال ۱۳۴۲ش هم‌زمان با شروع نهضت انقلاب اسلامی، از تهران به شهر خون و قیام قم مهاجرت کرده و رسماً به جمع روحانیون پیوست و مبارزات خود را که با تحریک کارگران علیه برگزاری رفراندوم در تهران آغاز نموده بود، با استفاده از رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) پی گرفت. شیخ علی اوسطی که بعد از سلاح ایمان و توکل، با تأسی به حضرت داوود پیامبر (ع)، از اسلحه‌ای به نام «فلاخن» یا «سنگ قلاب» برای مقابله با طاغوتیان استفاده می‌کرد، تمام گاردی‌ها و کماندوهای رژیم را به ستوه آورده،

به

«شیخ فلاخن‌انداز» معروف شده بود. او همواره دعا می‌کرد که خداوند از عمرش بکاهد و به عمر عزیز رهبر نهضت بیفزاید و عشق به شهادت چنان در قلبش می‌درخشید که سینه‌اش را شقایق‌زار توحید ساخته بود؛ عاقبت نیز پاداش عمری تلاش در راه حق را از دست ساغر عشق ستاند و شربت شهادت نوشید.

* شهادت شهید بهمن حسینی (1362ش)

اشاره:

خانواده‌ای مذهبی منتظر آمدن مائده الهی بودند و خداوند این انتظار را در

تاریخ ۲ فروردین‌ماه ۱۳۴۰ش به‌سر آورد، شهید بهمن حسینی این مائده الهی بود که والدین را طراوتی نو بخشید. بهمن در جمع پرنشاط خانواده به رشد و بالندگی جسمی رسید و در

سن ۷ سالگی پا در عرصه علم و دانش نهاد و مدارج علمی را طی نمود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به استخدام ارتش جمهوری اسلامی ایران درآمد.

با شروع جنگ تحمیلی، عاشقانه به دیار خون و شهادت شتافت تا از خاک کشورش دفاع نماید.

حسینی پس از سال‌ها مجاهدت در راه حق، سرانجام در تاریخ هفدهم شهریورماه

سال ۱۳۶۲ هجری شمسی در سن ۲۲ سالگی خاک سرپل ذهاب را محل عروج خود قرار داد و به ملکوت اعلی پیوست. پیکر پاک شهید بهمن حسینی پس از تشییع بر روی دستان گرم مردم در گلزار شهدای امامزاده عقیل (ع) اسلام‌شهر به خاک سپرده شد.
* بمباران اماکن و تأسیسات ایران توسط هواپیماهای رژیم بعث عراق (۱۳۶۶ ش)
اشاره:

پس از آن که چندین موشک «کرم ابریشم» به کویت اصابت کرد و دولت کویت در ۱۳ شهریور ۱۳۶۶ ایران را متهم به شلیک آنها نمود، مقامات ایران مسئولیت پرتاب موشک‌ها را تکذیب کردند. در این میان دولت بعث عراق که پیوسته برای ضربه زدن بیشتر به ایران و وادار کردن آن به پذیرش آتش‌بس در انتظار بهانه بود، با تکیه بر برتری هوایی خود در آسمان ایران و به بهانه دفاع از خاک کویت، در ۱۷ شهریور ۱۳۶۶ ش، بیش از دوازده هدف را که شامل شهرها، تأسیسات نفتی ایران و نفت‌کش‌ها در خلیج فارس بود، بمباران کرد و آن را در اعلامیه خود، روز انتقام نامید. به دنبال این حمله‌ها، موشکی از طرف ایران به سوی کویت پرتاب شد و به کشتی کویتی که پرچم آمریکا روی آن نصب بود اصابت کرد و آسیب دید.

* ۱۷ شهریور درگذر تاریخ

* تولد فیلسوف کبیر و فقیه بزرگ آیت الله «محمدتقی آملی» (۱۳۰۴ ق)
اشاره:

شیخ محمدتقی فرزند ملامحمد آملی در تهران دیده به جهان گشود و در محضر عالمانی چون شیخ عبدالنبی نوری و میرزا حسن کرمانشاهی تلمذ نمود. مدتی در نجف اشرف از محضر درس میرزای نائینی، آقا ضیاء عراقی و آقا سیدابوالحسن اصفهانی بهره گرفت. سپس به تهران بازگشت و به مدت بیش از چهل سال به تصنیف و تدریس اشتغال ورزید. او فقیه و فیلسوفی گوشه‌نشین بود و از پذیرفتن مسئولیت ریاست خودداری می‌نمود. آیت الله محمدتقی آملی، تا پایان عمر از نوشتن رساله‌ی عملیه خودداری کرد. حاشیه بر شرح اشارات، دُرِّالفوائد، رساله فی قاعدة لا ضرر و... از جمله تألیفات این فقیه و عارف بزرگوار می‌باشند. سرانجام این حکیم الهی در آخرین روز ماه شوال سال ۱۳۹۱ ق در ۸۷ سالگی دار فانی را وداع گفت و در تهران به خاک سپرده شد.

* افتتاح بانک ملی ایران (۱۳۰۷ ش)
* اعلان جنگ ایران به آلمان و الحاق ایران به اعلامیه ملل متحد (۱۳۲۲ ش)

* وقوع جمعه سیاه و کشتار بی‌رحمانه مردم در میدان شهدای تهران (۱۳۵۷ ش)
اشاره:

فرماندار نظامی تهران ضمن اعلامیه‌های متعدد به مردم هشدار داد که مقررات حکومت نظامی را کاملاً رعایت کند (۱۳۵۷ ش) از اولین ساعات بامداد با وجود انتشار اعلامیه‌های حکومت نظامی در شهر تهران مردم به خیابانها ریختند و به سمت میدان ژاله به حرکت درآمدند، (۱۳۵۷ ش) تظاهرکنندگان بدون توجه به مقررات حکومت نظامی با شهادت و از جان گذشتگی و ایثار شعارهای خود را که علیه رژیم شاه بود با صدای رسا بیان می کردند و کوچکترین توجهی به پاسداری سربازان که به حالت آماده باش در خیابان ها و پشت بامها سنگر گرفته بودند نداشتند، با چند اخطار مأمورین حکومت نظامی، چون مردم متفرق نشدند فرمان حمله صادر شد و قریب دو ساعت میدان ژاله و خیابان های اطراف آن تبدیل به میدان جنگ شد و گلوله های سربازان پشت سر هم به سوی مردم شلیک می گردیدند، به طوری که در اولین لحظات تیراندازی در جوی ها خون جاری شد و عده زیادی جان خود را از دست دادند. مقارن ظهر آرامش در شرق تهران برقرار شد و کشته ها و مجروحین به بیمارستان ها انتقال یافتند. مقامات دولتی تعداد کشته شدگان را ۹۵ نفر و مجروحین را ۲۵۰ نفر برآورد کردند در حالی که رقم دولتی بسیار کمتر از واقعیت بود. بعدها این روز جمعه سیاه نام گرفت. در اولین ساعات جمعه، ۱۷ شهریور

سال ۱۳۵۷، ارتشبد غلامعلی اوپسی، فرماندار نظامی تهران، از رادیوی تهران و حومه، حکومت نظامی را اعلام کرد. مردم که از حکومت نظامی اطلاع نداشتند، پیش از ساعت شش صبح برای چهارمین روز متوالی، از خانه‌ها بیرون آمده و سیل‌آسا، روی به خیابان‌ها آوردند.

مرکز تجمع آنان، میدان ژاله (شهدای کنونی) بود. همین که مردم به خیابان‌ها رسیدند، ناگهان با دیدن تانک‌ها و زره‌پوش‌های نظامی و مأموران مسلسل به دست حکومت نظامی غافلگیر شدند. مأموران مسلح، پس از چند بار اخطار، از زمین و هوا،

جمعیت را ناجوانمردانه هدف رگبار مسلسل قرار دادند. در اطراف میدان، جنازه شهیدانی بود که در صحنه نبرد نابرابر، همچنان باقی مانده و خون‌هایی که هر گوشه‌ای از میدان را گلگون کرده بود. در آن روز مزدوران رژیم شاه حتی کسانی را که به خانه‌های دیگران پناه می‌بردند تعقیب کرده و به شهادت می‌رساندند. رژیم پهلوی، تعداد کل شهدای این روز را 58 نفر و این تجمع را نقشه خارجی اعلام کرد. هر چند شمار دقیق قربانیان این حادثه، هیچ گاه مشخص نگردید ولی آن چه قطعی است، این رقم از چهار هزار نفر افزون بود. از آن روز، هفدهم شهریور 1357، به جمعه خونین تهران معروف گردید.

* روز شهدا (یادواره شهدای به خون خفته هفدهم شهریور 1357 در تهران)

اشاره:

دولت جمشید آموزگار که از نخستین روز های زمامداری، سیاست تحمیق مردم را بکار گرفته بود نتوانست در برابر امواج گسترده انقلاب اسلامی پایداری کند. در این دوره در سال 1357 ه ش هر روز بر دامنه اعتراضات مردمی افزوده می شد و چنین شد که پس از یکسال جمشید آموزگار در چهارم شهریور سال 1357 ه ش مجبور به استعفاء شد و محمد رضا شاه، جعفر شریف امامی را مامور تشکیل کابینه کرد. شریف امامی، اما برنامه دولت خود را آشتی ملی نام نهاد و به نشانه همراهی با مردم تعدادی از مراکز فساد را در کشور بست و تصمیم گرفت که به روحانیان احترام بگذارد. اما اینگونه عوام فریبی ها در تحمیق مردم موثر نیفتاد و در سیزدهم شهریور همان سال راهپیمایی بزرگی پس از نماز عید سعید فطر در تهران بر گزار شد و همین راهپیمایی مقدمه ای شد بر قیام هفدهم شهریور. به منظور احترام نهادن به خون کشته شدگان روز های پیشین، روز شانزدهم از سوی قاطبه مردم تعطیل عمومی اعلام شد و مردم تهران در چنین روزی راهپیمایی عظیمی بر گزار کردند. ماموران رژیم از شب قبل هفدهم شهریور، در میادین مهم شهر مستقر شده بودند و با هرگونه حرکت مقابله می کردند. در نخستین ساعات روز هفدهم شهریور ارتشبد اویسی از رادیو تهران اعلام حکومت نظامی کرد و بر اساس آن اجتماع بیش از دو نفر در تهران ممنوع شد. مردم تهران اما بدون توجه به این اخطارها سیل آسا به خیابانها روی آوردند و در میدان ژاله (شهدای فعلی) اجتماع کردند. ماموران مسلح چندین بار به مردم اخطار کردند و آنگاه ناجوانمردانه مردم بی سلاح را هدف رگبار مسلح خود قرار دادند. رژیم در حال اضمحلال تعداد کل شهدای هفده شهریور را 58 نفر اعلام کرد اما شمار دقیق قربانیان آن روز هیچگاه مشخص نشد. به گفته برخی از شاهدان رقم شهدای این روز بالغ بر چهار هزار نفر می شد. امام خمینی ره در هجدهم شهریور همان سال با صدور بیانیه ای ضمن محکوم کردن کشتار وحشیانه مردم، دولت شریف امامی را دولتی غیر قانونی و تحمیلی خواند. به مناسبت همین واقعه عظیم، چنین روزی در تاریخ ایران زمین به عنوان روز جمعه سیاه نام گرفت.

* تأسیس مؤسسه تنظیم و نشر آثار «امام خمینی» (ره) (1368 ش)

اشاره:

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) به منظور جمع آوری، طبقه بندی، حفظ و نگهداری، تنظیم، ترجمه و نشر آثار و اندیشه‌های حضرت امام خمینی، بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی ایران و همچنین فراهم آوردن امکانات لازم جهت ارائه خدمات تحقیقاتی و آموزشی پیرامون انقلاب اسلامی و سیره آن قائد عظیم الشان تأسیس گردید. در طی سال‌های پس از آغاز به کار، این مؤسسه علاوه بر چاپ و نشر کلیه آثار و کتب حضرت امام، به تهیه و توزیع کتب و منابع متعدد در مورد ابعاد شخصیتی امام راحل پرداخته و آنها را در تیراژهای میلیونی منتشر کرده است. همچنین کلیه دست خطها و دست نوشته‌های آن امام بزرگوار نیز در آن مؤسسه نگهداری می‌شوند.

* 12 ذیقعه درگذر تاریخ

* درگذشت شاعر گرانقدر ایرانی «ادیب نیشابوری»

(1344 ق)

* وفات قطب‌الدین رازی،

فیلسوف و عالم بزرگ مسلمان (776 ق)

اشاره:

ابوجعفر محمد بن محمد رازی معروف به قطب‌الدین رازی یکی از دانشمندان قرن هشتم هجری است. او عالمی محقق و حکیمی دانشمند بود. قطب‌الدین در فقه اسلامی و ادبیات عرب مهارت داشت. او در حکمت و کلام و منطق اسلامی تبحر و مهارت بیش‌تری پیدا نمود. قطب‌الدین اصلاً از مردم ورامین و شهر ری بود و نسبش به این بابویه قمی منتهی می‌شود. وی پس از تحصیلات در ایران ضمن مسافرت‌های متعدد، سرانجام گمشده خویش را در حله یافت. سپس به محضر علامه حلی شتافت و چند سالی از کرسی درس او استفاده نمود. قطب‌الدین مدتی در مدرسه نظامیه بغداد در طبقه پائین مدرسه دانشجو بود و گاه به او قطب تحتانی - در مقابل قطب‌الدین شیرازی فوقانی؛ متوفای ۷۱۰ ق - نیز می‌گفتند.

شیخ محمد مکی معروف به شهید اول، شریف جرجانی و سعدالدین تفتازانی از محضر قطب مدت‌ها بهره‌مند بودند. شیخ شهید در اربعین می‌نویسد: «اتفاق افتاد ملاقات من در دمشق با شیخ قطب‌الدین شعبان ۷۷۶ ق او در تمام علوم معقول و منقول متبحر بود ضمن استفاده از محضر او پس از مذاکرات و مباحثاتی دانستم که او دریائی است که کناره ندارد.»

شیخ شهید اضافه می‌کند که از او اجازه (اجتهاد و روایت) خواستم برایم نوشت. صاحب روضات، محدث نوری و محدث قمی در ترجمه قطب‌الدین رازی مطالبی دارند که ذکر آن‌ها به طول می‌انجامد و شسته مطالب در ترجمه قطب و شخصیت علمی او آن چیزی است که شاگردش شهید اول بیان می‌کند؛ جمله زیبایی نیز قاضی شهید در مجالس دارد که ما را با تصنیفات او نیز آشنا می‌سازد، می‌فرماید: «خورشید فضیلتش از مطلع شرح و حکمت حکمتش از افق کتاب حکمت ساطع است.» در نوشته‌های علامه به قطب‌الدین، او را با عناوینی مانند شیخ فقیه عالم فاضل محقق، مدقق زبده علما و افاضل قطب المله و الدین توصیفش نموده است. قطب‌الدین غیر از تربیت و تدریس فضلا، آثاری در علوم عقلی و نقلی به نام شرح اشارات، شرح شمسیه یا لوامع الاسرار در شرح انوار علامه محکمت (محاکمات) در شرح قواعد علامه، مفتاح، بحرالاصداف، و تحفة الاشراف را در فقه و حکمت به رشته تحریر برد (کتب مذکور هر یک در چند جلد است). ولادت این حکیم الهی و دانشمند گرانمایه را به سال ۶۴۷ ق نوشته‌اند. ابوجعفر محمد بن محمد رازی معروف به قطب‌الدین رازی بعد از عمری تعلیم و تعلم و خدمت به فرهنگ غنی اسلام، سرانجام در تاریخ دوازدهم ذی‌قعدة سال ۷۷۶ هجری قمری در دمشق از دنیا رفت و به دیدار حق شتافت. بسیاری از بزرگان شام در نماز وی شرکت کرده و او را در «صالحیه» دفن کردند.